

شهید غلامرضا غلامزاده



ازتبار علی
سازمان جامع سرواران و دختران شهید استان بوشهر

| | |
|-------------|---------------|
| نام پدر | غلامحسین |
| تاریخ تولد | ۱۳۴۰/۰۲/۰۲ |
| محل تولد | بوشهر - بوشهر |
| تاریخ شهادت | ۱۳۶۱ |
| محل شهادت | کوشک |
| مسئولیت | |
| نوع عضویت | |
| شغل | |
| تحصیلات | |
| مدفن | |

زندگینامه

شهید غلامرضا غلامزاده در دومین روز اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۰ در یک خانواده مومن و مبارز در روستای سمل شمالی از توابع شهرستان تنگستان قدم به عرصه هستی نهاد. دوران کودکی خود را در زادگاهش سپری کرد و در سال ۱۳۴۶ جهت فراگیری درس پا به دبستان محل تولدش گذاشت. دوران تحصیلات ابتدایی را با موفقیت در همان محل به پایان رساند. فقر فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه روستایی و مشکلات زندگی خانوادگی باعث شد، تا نتواند تحصیلات خود را در مقاطع بالاتر ادامه دهد. به همین خاطر ترک تحصیل نمود. با این وجود توانست در همین مدت کوتاه اما پر ارزش، با تحصیل علم و کسب معرفت به تهذیب نفس خویش پرداخته و نوجوانی، دارای بنیه فکری قوی و سرشار از ارزشهای یک انسان کامل گردد. شهید غلامزاده در سن ۱۸ سالگی جهت طی دوره نظام وظیفه از طریق نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به خدمت مقدس سربازی اعزام گردید، هنوز مدت کوتاهی از دوران خدمت ایشان نگذشته بود که جنگ تحمیلی عراق علیه ایران آغاز شد. با شروع جنگ شهید که از دوران کودکی و نوجوانی عاشق مکتب خونین حسین و آراسته به کمالات روحی و معنوی امام خمینی شده بود با اشتیاق فراوان عزم میدانهای نبرد کرد. در پایگاه هوایی خرمشهر به دفاع از شرف و حیثیت خویش اهتمام ورزید. پس از ماه ها جنگ و جهاد سرانجام در منطقه عملیاتی کوشک از ناحیه سر مورد اصابت ترکش قرار گرفت و جهت مداوا به بیمارستانی در مشهد اعزام شد، لکن به علت کثرت و شدت جراحات و نیاز به مراقبت بیشتر به بیمارستان دکتر شریعتی تهران منتقل گردید اما تلاش پزشکان حاصلی نبخشید و در همان جا دعوت حق را لبیک گفت و در جوار معشوق خویش به آرامش ابدی فرو رفت.

وصیت نامه

شهادت یک هدیه است از جانب خدای تبارک و تعالی برای آن کسانی که لایق هستند. (امام خمینی)

با درود و سپاس فراوان به ارواح پاک شهیدان و پدر و مادر و کلیه اقوام و همچنین منجی عالم بشریت امام زمان و نائب بر حقش رهبر کبیر انقلاب امام خمینی.

در سال ۱۳۵۹ به خدمت مقدس سربازی اعزام شدم و دانستم که خدمت سربازی، خود یک دینی بر گردن افراد جامعه می باشد. امیدوارم که با آمدن به خدمت بتوانم به اندازه توانایی، دین خود را در مقابل مرز و بوم و نوامیس و کلیه ایرانی ها ادا نمایم. همچنین در آینده به کمک کشورهای ضعیف بشتابم. پس از آن که جنگ ناکهانی و تحمیلی عراق علیه ایران شروع شد، امروز و فردا می کردم و می گفتم در مرحله اول وظیفه من است که به عنوان سرباز وطن به جبهه رفته و تا آخرین فشنگ و قطره خون بجنگم و بکشم و گشته شوم تا بالاخره موفق شدم. پس از آموزش که واقعاً پاسداران در انجام آموزش جهت آماده نمودن رزمندگان جبهه، کمال کوشش خود را می نمودند. به گفته امام خمینی «مملکتی که بیست میلیون جوان دارد باید بیست میلیون تفنگدار داشته باشد» و همچنین «ان الحیوة عقیده و الجهاد» از فرموده های سیدالشهدا [ع] امام حسین (ع) است که «زندگی جز عقیده و جهاد در راه آن نیست» به جبهه رفتم و امیدوارم که تمامی ملت ایران که تا به حال امتحان خود را پس داده اند. همیشه حاضر در صحنه باشند. به امر و فرمان امام گوش فرا دهند و عاشقانه به سوی جبهه ها بشتابند. زیرا در هر دو صورت پیروزی با ماست؛ چه گشته شویم و چه بکشیم.

اما در مورد وصیت شخصی خودم داری یک منزل شخصی می باشم. آن منزل را هم به برادر کوچکم عبدالحسین غلامزاده بدهید و همچنین از شما خواهشمندم نماز و روزه هائی که احیاناً فراموش کرده و انجام نداده ام را به یک شخص خوب واگذار کنید تا انجام دهد. پدر و مادر عزیز! از این که فرزند خوبی برای شما نبودم، مرا به بزرگی خودتان ببخشید. به خاطر این که در این موقع حساس که با ایثار جان خود شاید بتوانم خدمتی انجام داده باشم به جبهه رفته و با سایر برادران رزمنده در جبهه حق علیه باطل از تجاوز بعثیون کافر و خائن جلوگیری نمایم. والسلام سرباز وظیفه غلامرضا غلامزاده ۲۸/۱۰/۱۳ وصیت نامه

مصاحبه

پدر شهید: در سال ۱۳۴۰ در روستای سمل به دنیا آمد، از کودکی بچه با هوشی بود، در هفت سالگی وارد مدرسه شد و تا کلاس پنجم دوره ابتدائی را با موفقیت گذراند، نمی دانم چرا نسبت به درس و مدرسه بی علاقه شد و مدرسه را رها کرد. به علت این که علاقه زیادی به کار کشاورزی داشت. در کنار من مشغول کار شد و قبل از رفتن به سربازی برای خودش یک باب منزل مسکونی ساخت و قرار شد که با یکی از خویشاوندان ازدواج کند، مقدمات ازدواجش فراهم بود که به سربازی رفت.

از نظر مذهبی واقعاً یک فرد نمونه بود، هیچ گاه نماز و روزه و اعمال مذهبی او فراموش نمی شد. همیشه در مراسم دینی و مذهبی شرکت می کرد. نماز هایش را در مسجد می خواند. در نمازهای جماعت شرکت فعال داشت. در روضه ها و عزاداری ها و مراسم مختلف مذهبی شرکت دائمی و فعال داشت. اخلاق و رفتارش در منزل واقعاً نمونه بود. او حقیقتاً از سایر فرزندانم متمایز بود و واقعاً الگو بود. بسیار خوش اخلاق و دوست داشتنی بود. از تشییع جنازه اش پیدا بود که واقعاً او چقدر محبوب دوستان و هم ولایتی ها بوده. در تشییع او هزاران نفر شرکت داشتند. ما از مردم روستا و دوستانش بسیار ممنون و سپاسگزاریم.

محل خدمت سربازی اش پایگاه هوپزه بود. چند ماه که گذشت در یک مرخصی که به خانه آمده بود گفت: پدر، اگر اجازه بدهی می خواهم از فرمانده ام اجازه بگیرم و بقیه سربازی ام را در منطقه انجام دهم. من گفتم: شما همان جا که هستید هم جبهه و منطقه است. مهم خدمت به نظام و اسلام است، او گفت: منطقه چیز دیگری است و من گفتم: هر کاری که خود صلاح می دانی انجام بده. و او در ادامه همین کار تصمیم به حضور در خط مقدم گرفت و رفت و عاشقانه شهید شد. در خردادماه سال ۱۳۶۱ از منطقه عملیاتی خرمشهر برای ما خبر آوردند که غلامرضا زخمی شده است. من به جستجو به منطقه و سپس به دنبال او تا بیمارستان دکتر شریعتی تهران رفتم. او از ناحیه سر مورد اصابت ترکش قرار گرفته بود. و پس از دو ماه مداوا، فایده ای نبخشید و غلامرضا به مقام رفیع شهادت نائل آمد.

خاطرات

سجایای اخلاقی شهید غلامرضا غلامزاده

شهید سرافراز، سرباز فداکار غلامرضا غلامزاده، تربیت یافته مکتب خونین امام حسین (ع)، در کانون گرم خانواده‌ای مسلمان، در دامن پاک پدر و مادری متقی و پرهیزگار بود. از دوران کودکی و نوجوانی عاشق مکتب خونین حسین (ع) و آراسته به کمالات روحی و معنوی امام خمینی شده بود. به برکت همین معارف و کمالات انسانی به تهذیب نفس خویش پرداخته به نحوی که در نوجوانی از یک بنیه ایمانی و فکری و اعتقادی قوی برخوردار و سرشار از ارزشهای یک انسان کامل حقیقی بود. از این دوران به بعد بود که روحیه مبارز و خستگی ناپذیر او با ایثار و فداکاری عجین گردید و او را تا اوج ستم ستیزی و دفاع از ناموس و شرف انسانی و میهن اسلامی به پیش برد.

شهید در ایمان، تقوا و پرهیزگاری سرآمد بود، به صله رحم اهمیت زیادی می داد و با اقوام و بستگان ارتباط نزدیک داشت. همواره به ملاقات دوستان و خویشاوندان می رفت. در امور خیریه و مراسم مذهبی اعم از اعیاد و عزاداری های محرم و صفر و مراسم ماه مبارک رمضان و سایر فعالیت های دینی و مذهبی پیش قدم بود. نماز سر و قش هیچ وقت به تاخیر نمی افتاد و روزه اش قضا نمی شد. علاقه شدیدی به والدین و خانواده داشت. احترام بسیار زیادی برای پدر و مادر خود قایل بود و همیشه از آنها طلب عفو و آمرزش می نمود.

شهید غلامزاده سرچشمه مهر و محبت بود. روح پاک و لطیف او جذبه معنوی و روحانیش را دو چندان ساخته بود. در عین حال که سرشار از صفا و صمیمیت بود و انسان از مصاحبت با او لذت می برد، بسیار جدی و وظیفه شناس بود. نظم و انضباط کاری او به گونه ای بود که هیچ وقت کار امروز را به فردا واگذار نمی کرد همین مسئله بیانگر تقوا و هدفمندی، ثبات قدم و استواری ایمانش در تحقق اهداف و آرمان هایش بود. به راستی که او مصداق عینی و واقعی «اوصیکم عباد الله بتقوالله و نظم امرکم» بود.

شهید غلامزاده در ساده زیستی و قناعت الگو بود. او از دلبستگی به دنیا وارسته بود، در زندگی قناعت و سادگی را سرلوحه خویش ساخته بود و در همه حال دیگران را به این خصایل توصیه می کرد. تعلق دنیوی نداشت و زندگی دنیایی را نه به خاطر دنیا که برای رستگاری آخرت می خواست. در جهت تحقق همین آرمان بود که قدم به جبهه های نبرد نور علیه ظلمت گذاشت و مردانه جنگید. او که سربازی شجاع و دلیر بود. همواره از خداوند طلب شهادت می نمود تا سرانجام خداوند نیز حاجتش را برآورده ساخت و او را با خیل شهیدان، قرین رحمت و واسعه خویش ساخت.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران